



حسابرسی اندازه‌گیری انجام‌شده بر مبنای ارزش منصفانه:

راهکارهایی برای افزایش اثربخشی

✍ حمید محمدی؛ زهرا سپادتی

مقدمه

حسابرسی ارزش منصفانه به دلیل استفاده مدیریت از قضاوت و کارشناسان ارزشیابی و دیگر عوامل کیفی، با چالش‌های مختلفی روبه‌رو است. برخی از چالش‌های موجود تا حد زیادی ناشی از فاصله انتظارهای بین حرفه حسابرسی و حرفه ارزشیابی است. بنابراین برای کاهش چالش‌های موجود، همکاری مشترک دو حرفه و ارائه چارچوب ارزشیابی مشترک، سودمند خواهد بود. استفاده از ارزش منصفانه در گزارشگری مالی شرکت‌های فعال در صنایع مختلف، رو به افزایش است. به علت تنوع زیاد ارزشیابی‌های صورت‌گرفته و فرض‌های مختلفی که در آنها به کار می‌رود، کیفیت ارزشیابی‌ها یکسان نیست. ارزش منصفانه برآوردی است که از قضاوت‌های ذهنی بیشتری در آنها استفاده می‌شود. وجود متغیرهای زیاد و فرض‌های زیربنایی مختلف که هر کدام در بازه‌های منطقی تعریف شده‌اند، سختی حسابرسی ارزش منصفانه را در مقایسه با سایر برآوردهای حسابداری، افزایش می‌دهد.

تدوین‌کنندگان قوانین و مقررات، به این موضوع توجه داشته‌اند. در پاسخ به نگرانی مراجع قانونی در رابطه با نایک‌نواختی و نقاط ضعف موجود درباره ارزش‌های منصفانه، الزام‌های یکنواختی از سوی حرفه ارزشیابی طراحی گردید که باعث شد ارزش‌های منصفانه از قابلیت حسابرسی بیشتری برخوردار شود. جامعه حسابداران رسمی آمریکا با همکاری جامعه کارشناسان رسمی ارزشیابی آمریکا^۱، برنامه‌ای رسمی برای ارزشیابی^۲ تدوین کرده‌اند. این برنامه با یکسان‌سازی تعیین دامنه و مستندسازی کار، به حفظ منافع عمومی در رابطه با کار کارشناسان ارزشیابی کمک و نظامی برای نظارت بر کیفیت و تدوین آیین رفتار اخلاقی برای افراد دارای گواهی این برنامه، ارائه می‌کند. پایه و اساس گواهی رسمی ارزشیابی، دستور عمل‌های اجرایی آن است. این دستور عمل‌ها، حداقل الزام‌های مربوط به دامنه کار و مستندسازی را در برآوردهای ارزش منصفانه از سوی مدیریت، تعیین کرده

استاندارد حسابداری شماره ۳).

حسابرسی ارزش منصفانه با چالشهای مختلفی روبه‌رو است. این چالشها به سه دسته عوامل محیطی، کارکردی، و فردی طبقه‌بندی می‌شود. عوامل محیطی به آن دسته از عوامل گفته می‌شود که مختص محیط پیرامون حسابرس است و به سه گروه شامل ابهام در برآورد، آثار قانونی و نظارتی، و ارتباطهای مبتنی بر بازار، دسته‌بندی می‌شود. عوامل کارکردی، آن دسته از عواملی است که از طریق افزایش پاسخگویی به درخواست و تقاضا، بر ماهیت وظیفه و عملکرد فردی تأثیر می‌گذارد. عوامل فردی نیز به ویژگیهای تصمیم‌گیرنده و یا فرایند شناختی که حسابرس در هنگام قضاوت یا تصمیم‌گیری به‌کار می‌برد، مربوط می‌شود (سلیمانی امیری و جعفری نسب‌کرمانی، ۱۳۹۵).

هرچند شناسایی چالشهای حسابرسی ارزش منصفانه از اهمیت زیادی برخوردار است، ارائه راهکارهایی برای افزایش اثربخشی حسابرسی نیز موضوعی است که کمتر مورد توجه قرار گرفته است. بنابراین در این مقاله برخی از نکته‌هایی که حسابرس باید در حسابرسی ارزش منصفانه مدنظر قرار دهد، مطرح شده است. این نکته‌ها شامل الزامهای مربوط به مستندسازی، فرایند تصحیح دقت روش ارزشیابی، گذشته‌آزمایی، ارتباط با کارشناس ارزشیابی و بررسی صلاحیت و کار کارشناس است.

مستندسازی

طبق استانداردهای حسابرسی، حسابرس باید از فرضهای زیربنایی و منطق مدیریت در برآوردهای ارزش منصفانه شناخت کافی به‌دست آورد و آن را مستند کند. برای این کار، حسابرس باید بخش ۱۱۰۵ استاندارد حسابرسی با عنوان «شواهد حسابرسی»، بخش ۱۲۱۵ با عنوان «مستندهای حسابرسی» و بخش ۱۲۱۰ با عنوان «استفاده از خدمات کارشناسان» را مورد توجه قرار دهد. چالشی که حسابرس در حسابرسی ارزش منصفانه با آن روبه‌رو است، مستندسازی کافی کار انجام‌شده در تاریخ ارزشیابی، شامل آگاهیها و اطلاعات دست‌یافتنی است. برخی از روشهایی که به‌طور معمول برای ارزیابی معقول بودن برآوردهای مدیریت از ارزش منصفانه مورد استفاده قرار می‌گیرد، شامل مقایسه فرضهای مدیریت با گزارشهای اشخاص ثالث، تحقیقهای بازار، پایگاه‌های اطلاعاتی و صورتهای مالی شرکت‌های مشابه است.

است. دستور عملهای برنامه رسمی ارزشیابی به‌منظور استفاده کارشناسان ارزشیابی طراحی و در مواردی به‌کار گرفته می‌شود که خدمات ارزشیابی برای هدفهای گزارشگری مالی ارائه شده باشد.

افراد دارای گواهینامه رسمی ارزشیابی، هنگام برآورد ارزشهای منصفانه، ملزم به رعایت دستور عملهای اجرایی برنامه رسمی ارزشیابی هستند. تدوین‌کنندگان این دستور عملها معتقدند که کاربرد آنها برای کارشناسان ارزشیابی که فاقد گواهینامه رسمی ارزشیابی هستند نیز مناسب است. در این مقاله، بعد از ارائه تعریف و ویژگیهای ارزش منصفانه، راهکارهای افزایش اثربخشی در حسابرسی ارزش منصفانه مطرح شده است. این راهکارها شامل نکته‌ها و توصیه‌هایی است که حسابرس باید در حسابرسی ارزش منصفانه مورد توجه قرار دهد.

حسابرسی ارزش منصفانه

استفاده از ارزشهای منصفانه به سال ۱۹۴۰ میلادی در آمریکا بازمی‌گردد. در آن زمان، بانکهای سرمایه‌گذاری و دارندگان اوراق بهادار دادوستدپذیر، به‌منظور متقاعد کردن مراجع قانونی از کفایت سرمایه خود، به تبدیل مبالغ دفتری سرمایه‌گذاریهای خود به ارزشهای بازار اقدام کردند. استفاده از این روش، به مدیران نهادهایی مانند بانکهای تجاری امکان می‌داد تا اندوخته پنهان ناشی از ارزشهای منصفانه داراییها را برای سالهایی که وضعیت اقتصادی نامناسب تشخیص داده می‌شد، ایجاد کنند و از آن برای هموارسازی سودهای آینده بهره ببرند.

مفهوم ارزش منصفانه، اولین بار در استاندارد حسابداری شماره ۸ با عنوان «حسابداری تسعیر ارز» و صورتهای مالی پول خارجی، در سال ۱۹۷۵ مطرح شد. اولین تعریف از ارزشهای منصفانه در استاندارد شماره ۱۳ با عنوان «حسابداری اجاره‌ها»، در سال ۱۹۷۶ به این صورت ارائه شد که: «ارزش منصفانه قیمتی است که يك دارایی ممکن است به آن قیمت در يك معامله منصفانه بین گروه‌های مایل غیر وابسته فروخته شود» (محمدیان، ۱۳۸۹). طبق استانداردهای حسابداری ایران، ارزش منصفانه به‌عنوان مبلغی تعریف می‌شود که خریداری مطلع و مایل و فروشنده‌ای مطلع و مایل می‌توانند در معامله‌ای حقیقی و در شرایط عادی، يك دارایی را در ازای مبلغ مزبور با یکدیگر مبادله کنند (بند ۸

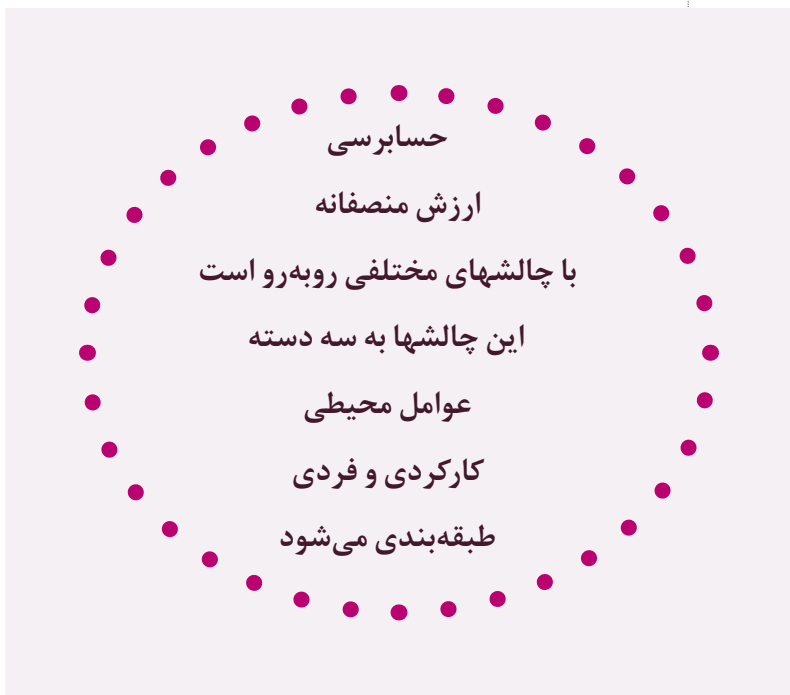
استانداردهای حسابداری، در صورتی که مبلغ معامله در زمان انجام آن براساس ارزش منصفانه تعیین شده باشد، و در دوره‌های بعدی از روشهای مبتنی بر اطلاعات مشاهده‌ناپذیر برای اندازه‌گیری ارزشهای منصفانه استفاده شود، دقت روش ارزشیابی مورد استفاده باید به‌گونه‌ای تصحیح شود که در صورت به‌کارگیری آن در تاریخ انجام معامله، نتایج به‌دست‌آمده با مبلغ واقعی معامله برابر باشد. تصحیح دقت روش ارزشیابی، این اطمینان را فراهم می‌کند که روش ارزشیابی، منعکس‌کننده شرایط فعلی بازار است و به واحد گزارشگر در بهبود روشهای مورد استفاده کمک می‌کند.

به‌عنوان مثال، ممکن است در روش ارزشیابی مورد استفاده، برخی ویژگیهای دارایی یا بدهی در نظر گرفته نشده باشد. بعد از شناسایی اولیه و هنگام اندازه‌گیری ارزش منصفانه با روشهای مبتنی بر اطلاعات ورودی مشاهده‌ناپذیر، واحد گزارشگر باید اطمینان حاصل کند که روش مورد استفاده، منعکس‌کننده ارزشهای بازار در تاریخ ارزشیابی است.

باید توجه داشت که ورودیهای مشاهده‌ناپذیری که در مدل ارزشیابی به‌کار می‌روند، باید به‌گونه‌ای تصحیح شوند که در صورت به‌کارگیری مدل در تاریخ انجام معامله، خروجی مدل با قیمت معامله برابر باشد. به‌عنوان مثال، مدیریت برای برآورد ارزش منصفانه واحد عملیاتی تحصیل‌شده در تاریخ خرید، یک نرخ تنزیل برای جریانهای نقدی آینده آن واحد در نظر گرفته است. در اندازه‌گیری‌های بعدی (به‌عنوان مثال، هنگام آزمون کاهش ارزش سرقفلی شرکت) مدیریت باید برای شروع از نرخ تنزیل اولیه‌ای استفاده کند که در تاریخ معامله در نظر گرفته است و فرضها و ورودیهای به‌کاررفته در تعیین نرخ تنزیل را براساس فرضهای به‌کاررفته از سوی سرمایه‌گذاران در بازار، به‌روزرسانی کند. مدیریت نباید تنها به‌دلیل آن‌که تاریخ اندازه‌گیری بعدی به تاریخ اندازه‌گیری اولیه نزدیک است، از همان نرخ تنزیل به‌کاررفته در تاریخ معامله استفاده کند (Murphy and Smith, 2017).

گذشته‌آزمایی

منظور از گذشته‌آزمایی، مقایسه ارزش واقعی معامله یک ورقه بهادار در بازار، با ارزش منصفانه برآوردشده آن ورقه در تاریخهای اندازه‌گیری گذشته است. هدف گذشته‌آزمایی،



تصحیح دقت روشهای ارزشیابی از سوی مدیریت

مدیریت یا کارشناس ارزشیابی برای تعیین ارزش کسب‌وکار یا دارایی نامشهود، به تدوین مدل می‌پردازد. فارغ از این که مدل از سوی مدیریت یا کارشناس ارزشیابی تدوین شده باشد، مسئولیت ارائه اطلاعات ورودی آن با مدیریت است. منظور از اطلاعات ورودی، فرضهای مشاهده‌ناپذیر مدیریت است؛ به این معنی که فردی خارج از شرکت، توانایی تأیید این اطلاعات را با استفاده از اطلاعات عمومی ندارد. در مواردی که ورودی مدل در تاریخ اندازه‌گیری شامل اطلاعات مشاهده‌ناپذیر باشد، مدیریت ملزم است در تاریخهای بعدی، اندازه‌گیری ورودیها را تصحیح کند.

شرکتهای خصوصی ممکن است اهمیت زیادی برای داراییهای نامشهود در ترازنامه و تفکیک ارزش سرقفلی و نام تجاری قائل نباشند؛ اما این موضوع برای استفاده‌کنندگان از صورتهای مالی، دارای اهمیت است. ارزشیابی اولیه داراییهای نامشهود بر سایر رویه‌های حسابداری آن، از جمله شناسایی کاهش ارزش، مؤثر است. در صورت اشتباه‌بودن ارزشیابی اولیه، ارزشیابی بازار و سودهای آینده زیر تأثیر قرار می‌گیرد. بنابراین سرمایه‌گذاران در بازار سرمایه، به این موضوع اهمیت می‌دهند.

طبق الزامهای بیانیه موضوعی ۸۲۰ هیئت تدوین

موجب اندازه‌گیری صحیح‌تر ارزش منصفانه شود. حساب‌رسان و مدیریت باید توجه داشته باشند که طبق سرفصل ۸۲۰، در مواردی که روش ارزشیابی، یا وزنی که به روش‌های مختلف داده شده است، تغییر می‌کند تا ارزش‌های منصفانه صحیح‌تری ارائه شود، این تغییر، به‌عنوان تغییر در برآوردهای حسابداری در نظر گرفته می‌شود. اگرچه افشای تغییر در برآوردهای حسابداری در استانداردهای حسابداری الزامی است، اما طبق بند ۱۰-۵۰-۷ سرفصل ۸۲۰، هنگامی که تغییر در روش ارزشیابی به منظور ارائه ارزش منصفانه‌ای صحیح‌تر صورت گرفته است، نیازی به افشای اطلاعات درباره آن نیست.

آموزش صاحبکاران

بخشی از کار حساب‌رسان را آموزش صاحبکاران در رابطه با مسئولیت‌های آنان در قبال ارزش‌های منصفانه تشکیل می‌دهد که به‌طور معمول، شامل آموزش درباره به‌دست‌آوردن شناخت از مدل ارزشیابی و ارزیابی مناسب بودن ورودیها و رویکردهای به‌کاررفته در آن است. این آموزش، به صاحبکاران کمک می‌کند همکاری بهتری برای مستندسازی کار انجام‌شده از سوی حساب‌رسان داشته باشند و انگیزه مدیریت را برای شناخت فرایند برآورد و اثبات ارزش‌های منصفانه، افزایش می‌دهد. همچنین، موجب یادآوری مسئولیت تهیه صورتهای مالی به مدیریت می‌شود که این مسئولیت، برآوردهای ارزش منصفانه در صورتهای مالی را نیز در برمی‌گیرد؛ کاری که از سوی مدیریت یا کارشناس ارزشیابی انجام شده است (Murphy and Smith, 2017).

ارتباط با کارشناس ارزشیابی

مدیریت، کارشناس ارزشیابی، و حساب‌رسان، باید قبل از شروع کار، در رابطه با دامنه ارزشیابی و چگونگی استفاده از کارشناس، با یکدیگر مذاکره کنند. حساب‌رسان باید از مدیریت بخواهد تا کارشناس ارزشیابی ملزم به ارائه اطلاعات مورد نیاز حساب‌رسان شود. این اطلاعات، شامل رویکرد و روش‌های ارزشیابی به‌کاررفته و ورودیهای مهم و خروجیهای مورد انتظار مدل و زمان‌بندی کار است. در این مذاکره، چالش‌های احتمالی درباره ارزشیابی و هر محدودیتی که صاحبکار بر کار کارشناس تحمیل کرده است، مورد بحث قرار می‌گیرد. انجام این مذاکره ممکن است به صرفه‌جویی در زمان صرف‌شده و جلوگیری از تأخیر احتمالی در حساب‌رسی کمک

بهبود توانایی مدیریت در رسیدن به بهترین برآورد ارزش منصفانه، با بهره‌گیری از اطلاعات به‌دست‌آمده از معامله‌های واقعی بعدی است. در فرایند بهبود ارزشیابی، به عوامل کیفی (مانند قضاوت حرفه‌ای) مؤثر بر اندازه‌گیری ارزش منصفانه، توجه می‌شود. حساب‌رسان باید با مدیریت در رابطه با وجود فرایندهای ارزیابی دوره‌ای و گذشته‌نگر در تعیین ارزش‌های منصفانه، بحث کند. در صورتی که شرکت برای بهبود ارزش‌های منصفانه از فرایند گذشته‌آزمایی استفاده می‌کند، حساب‌رسان باید به این نکته مهم توجه داشته باشد که لزومی ندارد تفاوت‌های به‌دست‌آمده بین ارزش‌های منصفانه اندازه‌گیری‌شده در تاریخ اندازه‌گیری اولیه و قیمت‌های مشاهده‌شده بعدی، به‌معنای اشتباه بودن ارزش‌های منصفانه اندازه‌گیری‌شده یا نارسایی فرایند تعیین ارزش‌های منصفانه از سوی مدیریت باشد، بلکه ممکن است بیانگر رویدادهای بااهمیتی در بازار یا تغییرهایی در شاخص‌های کلان اقتصادی باشد که در فاصله بین تاریخ برآورد ارزش منصفانه و تاریخ دستیابی به قیمت‌های واقعی، رخ داده است. همچنین، ممکن است نشان‌دهنده روند روبه‌بهبود در تعیین ارزش منصفانه باشد که در اندازه‌گیری‌های بعدی مشخص خواهد شد.

مدیریت یا کارشناس ارزشیابی، باید اطمینان حاصل کند که اندازه‌گیری ارزش‌های منصفانه طبق الزامهای تجزیه و تحلیل و مستندسازی انجام شده است و عناصر کیفی و کمی به‌کارگرفته‌شده در گذشته‌آزمایی و آثار گذشته‌آزمایی بر توانایی مدیریت در برآوردهای آینده از ارزش منصفانه، به‌اندازه کافی مستند شده است. در صورت انجام این موارد، کار حساب‌رسان در ارزیابی منطقی بودن ارزش‌های منصفانه اندازه‌گیری‌شده از سوی مدیریت، بسیار آسان‌تر خواهد بود (Murphy and Smith, 2017).

تغییر رویه در برآورد ارزش منصفانه

حساب‌رسان باید یکنواختی روش‌های مورد استفاده مدیریت برای برآورد ارزش‌های منصفانه را بررسی کند. سرفصل ۸۲۰ اصلاح‌های استانداردهای حسابداری (ASU) Topic 820 هیئت تدوین استانداردهای حسابداری مالی (FASB)، به‌کارگیری یکنواخت روش‌های تعیین ارزش منصفانه را الزامی ساخته است؛ مگر این‌که تغییر روش،

دارند، اما الزامهای خاصی در این زمینه پیش‌بینی نشده است (Murphy and Smith, 2017).

خلاصه

ارزشهای منصفانه برآوردهایی هستند که از قضاوت‌های ذهنی بیشتری در آنها استفاده می‌شود. بنابراین، سختی حسابرسی ارزش منصفانه در مقایسه با دیگر برآوردهای حسابداری، بیشتر است. استفاده از ارزشهای منصفانه در گزارشگری مالی صنایع مختلف، روبه افزایش است. در این مقاله، راهکارهایی برای افزایش اثربخشی حسابرسی ارزش منصفانه مطرح شد. این راهکارها شامل نکته‌هایی است که حسابرس در حسابرسی ارزش منصفانه باید مورد توجه قرار دهد. مهمترین نکته‌ها شامل بررسی تصحیح دقت روشهای ارزشیابی از سوی مدیریت و فرایند گذشته‌آزمایی است. در صورت وجود این دو فرایند در تدوین ارزشهای منصفانه، کار حسابرس آسان‌تر خواهد بود. بنابراین، حسابرسان می‌توانند از طریق آموزش صاحبکاران در پیاده‌سازی فرایندهای مزبور، کیفیت حسابرسی ارزش منصفانه را ارتقا بخشند. همچنین طبق استانداردهای حسابرسی، حسابرسان باید ارتباط با کارشناسان ارزشیابی و بررسی صلاحیت و کار آنها را مدنظر قرار دهند.



پانوشته‌ها:

- 1- American Society of Appraisers (ASA)
- 2- Certified in Entity and Intangible Valuations (CEIV)
- 3- Public Company Accounting Oversight Board (PCAOB)

منابع:

- سلیمانی امیری غلامرضا و ندا جعفری‌نسب کرمانی، چالشهای حسابرسی ارزش منصفانه و سایر برآوردها، پژوهش حسابداری، سال ششم، شماره ۲۳، ۱۳۹۵، صص ۱۲۹-۱۴۳
- محمدیان محمد، تحلیلی بر به‌کارگیری ارزش منصفانه، دانش حسابرسی، سال دهم، شماره ۳، ۱۳۸۹، صص ۵۷-۷۸
- Murphy Maria L., and M.O. Smith, **How to Audit Fair Value Measurements**, Journal of Accountancy, available at: www.journalofaccountancy.com/issues/2017/dec/how-to-audit-fair-value-measurements.html, 2017

کند و از انتظارات نامناسب بعد از دریافت گزارش ارزشیابی، جلوگیری کند (Murphy and Smith, 2017).

تعیین صلاحیت و بررسی کارشناس

در صورت استفاده صاحبکار یا حسابرس از کارشناس ارزشیابی برای انجام یا بررسی ارزشهای منصفانه، استانداردهای حسابرسی مختلفی اجراشدنی است. بخش ۱۲۱۰ استانداردهای حسابرسی هیئت نظارت بر حسابداری شرکتهای سهامی عام^۳ با عنوان «به‌کارگیری کارشناس از سوی حسابرس یا صاحبکار»، در هر یک از این شرایط کاربرد دارد. در حسابرسی شرکتهای خصوصی، جامعه حسابداران رسمی آمریکا در بخش ۶۲۰ استانداردهای حسابرسی با عنوان «استفاده از خدمات کارشناس»، وظیفه حسابرس را در موارد استفاده از خدمات کارشناس بیان و در بخش ۵۰۰ استانداردها با عنوان «شواهد حسابرسی»، ملاحظه‌های مربوط به استفاده مدیریت از خدمات کارشناسان مطرح کرده است. مسئولیتهای حسابرس شامل ارزیابی صلاحیت، توانایی و بی‌طرفی کارشناس نیز می‌شود. در این ارزیابی، منافع و روابطی که ممکن است بر بی‌طرفی کارشناس تأثیر بگذارد، باید مورد بررسی قرار گرفته و ملاحظه‌های مربوط باید در پرونده‌های حسابرسی مستند شود.

حسابرس به‌منظور بهبود روابط و ایجاد ارتباط مؤثر با کارشناس ارزشیابی، باید تعیین کند که آیا کارشناس روشهای مختلف ارزشیابی مربوط را در نظر گرفته و علت استفاده نکردن از هر روش را مشخص کند. حسابرس باید توجه داشته باشد که ممکن است کارشناس، بازه معقولی از فرضها را در نظر بگیرد و کارشناس باید به پیشنهادها حسابرس توجه داشته باشد. به‌طور معمول، یکی از ورودیهای اولیه در برآورد ارزش منصفانه، اطلاعات مالی آینده تهیه‌شده از سوی مدیریت است. مدیریت در قبال هرگونه اطلاعات مالی آینده مسئولیت دارد. حسابرس باید بودجه‌ها و پیش‌بینی‌های انجام‌شده از سوی مدیریت را بررسی و رسیدگی کند. از آنجا که کارشناس ارزشیابی ملزم به حسابرسی اطلاعات مالی آینده نیست، استفاده از این اطلاعات و در نظر گرفتن آن در مدل برآورد ارزش منصفانه از سوی کارشناس متداول است. هرچند کارشناسان ارزشیابی نسبت به این رویکرد انتقاد